

وظایف دشوار زنان شاغل در قبال خانواده

مادر که نباشد خانه ویرانه می‌شود



نگین خلیج سرشکی چند روز پیش در فروشگاه اسباب‌بازی با یک صحنه بسیار در دناک و در عین حال چالش برانگیز روبرو شدم. طفلی که به دنبال مادر خود گریه می‌کرد و مادری که با تلفن همراه برای همکار خود پوشه‌های اداری را توضیح می‌داد. کمی ایستادم و به این دو شخص نگاه کردم. کلسی توصیف‌ها و تعریف‌ها در ذهن خود ساختم و مادر را از عرش به فرش کشیدم و کودک را مظلوم و ستم‌دیده ترسیم کردم اما حقیقت این است اگر آن مادر کار نکند پس کودک هیچ وقت نمی‌تواند اسباب‌بازی گران قیمت مورد علاقه خود را داشته باشد! نمی‌دانم مادری را دیدم که با اشتغال خود اشغال شده بود یا مادری که برای تأمین نیازهای فرزندش خود را به کار مشغول کرده بود. آن مادر حتی با تلفن همراه هم مسئولیت خود را تا آخرین لحظه به نحو احسن انجام می‌داد اما کودکی را پشت سر گذاشت که گریه می‌کرد. آن مادر کارِت بانکسی را به خانم فروشنده داد تا اسباب‌بازی گران قیمت کودک خود را بخرد و او را شاد کند. تضاد عجیبی وجود داشت اما چیزی که مهم است مسئله اشتغال زنان و بالا و پایین آن است. یک مادر پسر را به جهان می‌آورد که بعدها رئیس‌جمهور، وزیر، وکیل، کارکنند تا جرح جامعه بچرخد.

مادری و همسری فراموش نمی‌شود

یک مادر اگر نباشد خانه به ویرانه تبدیل می‌شود. یک مادر می‌تواند ۱۰ فرزند خود را با سامان برساند اما همان ۱۰ فرزند نمی‌توانند دقیقا او را مراقبت کنند. پس چرا می‌گویند زنان توانایی مدیریت کردن ندارند؟ زنی که به انسان هستی می‌بخشد می‌تواند هر کار دیگری را به

همان خوبی انجام دهد اما لحظاتی هم پیش می‌آید که او خسته است. او خسته از بار سنگین همه مسئولیت‌هاست و به ثانیهای توقف نیاز دارد اما این به معنی رها کردن وظیفه مادری و همسری او نیست. اگر خسته می‌شود به دلیل اهمالکاری او نیست. اگر خسته می‌شود نیاز دارد تا کمی دیگران هم مسئولیت‌پذیر باشند. او برای همه اعضای خانواده در خانه کار می‌کند، پس همه اعضا هم باید برای او تلاش کنند.

او قطعاً حواسش به همه است و فقط کمی خسته می‌شود. اشتغال زنان فقط برای جامعه مدرن و زمان حال نیست بلکه زنان از زمان‌های دور دوش به دوش مرد خود در مزرعه و شالیزارها کار می‌کردند. آنها دام‌ها را به چرا

و تمام تلاشش برای آنهاست.

هیچ فرقی نمی‌کند او وزیر باشد یا یک معلم، پزشک باشد یا یک خیاط، وکیل باشد یا یک پرستار. مادر هیچ وقت بلکه می‌توان نیمه خالی و نیمه پر را در کنار هم دید و از نیمه خالی برای رسیدن به نیمه پر استفاده کرد. زنان می‌توانند کار کنند به شس‌رط آنکه به تربیت و نیاز عاطفی فرزندان لطمه نخورد، سیاست، اقتصاد، فناوری، علم و هنر فقط برای مردها نیست، بلکه به کمی ظرافت زنانه هم نیاز دارد اما نباید وظایف مادری و همسری را تحت الشعاع خود قرار دهد

می‌برند و قالی می‌بافتند حتی در هولناک‌ترین زلزله تاریخ هم دوش به دوش مرد خود خانه می‌ساختند. همیشه در طول تاریخ نمونه‌هایی وجود داشتند که قهرمان‌ها یک زن بوده است. زن‌ها اگر در صحنه هم نبودند اما از پشت صحنه توانایی و همت خود را به همه نشان داده‌اند.

یک زن فرقی ندارد از چه ملیتی باشد اگر حرف خانه و خانواده‌اش در میان باشد حتی برای آنها جان هم می‌دهد، کار کردن و حضور در عرصه‌های اجتماعی که چیزی نیست ولی همه ما به خاطر راحت‌طلبی خودمان می‌خواهیم زن خانه همه چیز را مهیا کند تا کمی ما به زحمت انداخته نشویم. هر کس از او انتظاری دارد، چرا لباس‌هایم اتو نشده است، چرا شام آماده نیست و هزار و یک انتظار دیگر که فقط مسئولیت زن نیست بلکه همه باید برای رفع آنها تلاش کنند. او چه کار کند و چه کار نکند هیچ وقت برای رفع نیازهای ۲۴ ساعت ما استخدام نشده است. یک مادر حتی هنگام کار کردن و حضور در عرصه‌های اجتماعی هم به فکر نیازهای فرزندانش است

هیچ فرقی نمی‌کند او وزیر باشد یا یک معلم، پزشک باشد یا یک خیاط، وکیل باشد یا یک پرستار. مادر هیچ وقت بلکه می‌توان نیمه خالی و نیمه پر را در کنار هم دید و از نیمه خالی برای رسیدن به نیمه پر استفاده کرد. زنان می‌توانند کار کنند به شس‌رط آنکه به تربیت و نیاز عاطفی فرزندان لطمه نخورد، سیاست، اقتصاد، فناوری، علم و هنر فقط برای مردها نیست، بلکه به کمی ظرافت زنانه هم نیاز دارد اما نباید وظایف مادری و همسری را تحت الشعاع خود قرار دهد

زنان نمونه بارز این ضرب‌المثل هستند. شاید به نظر غیرممکن باشد اما شدنی است. همه چیز ابتدا کمی زمان می‌برد تا روی نظم و قاعده باشد اما کم‌کم مسیر خود را پیدا می‌کند و راه را رها نمی‌کند. زنان هم همین

آنها ثابت کرده‌اند که می‌توانند حتی سرپرست خانواده باشند و کارآفرینی کنند. پس هیچ غیرممکنی وجود ندارد اما باید مراقب بود چرا که با یک دست نمی‌شود دو هندوانه و یک دست نمی‌شود دو هندوانه بلند کرد. پس در انتخاب بلند کردن هندوانه باید آن هندوانه‌ای را بلند کرد که به نفع کانون خانواده باشد.

البته زنان اگر در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند و سرد و گرم روزگار را بچشند قطعاً بخت خواهند شد و چیزهای بیشتری برای یاد دادن به فرزندان خود خواهند داشت. زنی که یک بار از صفر صد بسازد قطعاً فرزندانی مسئولیت‌پذیرتر و داناتر تربیت خواهد کرد. یک مادر باسواد و یک مادر شغال حرف‌های بیشتری برای زدن به فرزندان خود خواهد داشت. کودک او از همان اولین سال‌های زندگی یاد می‌گیرد که باید روی پای خود بایستد و مانند والدین خود برای ساختن زندگی تلاش کند. او از همان ابتدا می‌بیند که پدر و مادر چگونه خود را وقف زندگی کرده‌اند و با هزاران مشکل باز هم تاب می‌آورند پس سقف همت خود را بلندتر می‌سازد. مادری که دنیا دیده باشد می‌تواند چشم فرزند خود را به حقایق بیشتری باز کند.

مسئله اشتغال زنان مانند تمامی مسائل دیگر دارای ابعاد مثبت و منفی است. هیچ چیز تمام مثبت و تمام منفی وجود ندارد بلکه می‌توان نیمه خالی و نیمه پر را در کنار هم دید و از نیمه خالی برای رسیدن به نیمه پر استفاده کرد. زنان می‌توانند کار کنند به شرط آنکه به تربیت و نیاز عاطفی فرزندان لطمه نخورد، سیاست، اقتصاد، فناوری، علم و هنر فقط برای مردها نیست، بلکه به کمی ظرافت زنانه هم نیاز دارد اما نباید وظایف مادری و همسری را تحت‌الشعاع قرار دهد.

نگاه



جشن طلاق و ازدواج سفید

نتیجه فقدان آموزش و برنامه‌ریزی برای ازدواج سالم

یک سکه برای مشاوره نمی‌دهیم

هزار سکه برای مهریه می‌بندیم

■ داریوش یوسفوند*

چرا فرهنگ مردم به گونه‌ای است که برای هزار سکه مهر به بستن کلی تلاش می‌کنند، اما برای سلامت روان و آموزش و مشاوره زوج‌ها یک سکه هزینه نمی‌کنند؟ چرا تجملات و سنت‌های عروسی و ازدواج هنوز ارزشمندتر از ۱۰ جلسه مشاوره برای زوجین است؟ پدر و مادرها چه زمانی به این مقوله حیاتی فکر خواهند کرد؟ آیا خلأ فرهنگی – شناختی وجود دارد؟ آیا نیاز به آگاه‌سازی اجتماعی است؟ آیا خلأقانونی در این بین مشهود است؟ آیا عملکرد مشاوران خانواده و ازدواج در این بین دارای مشکل است؟ آیا در این زمینه نیازی به مداخله بیمه‌ها برای آسان‌سازی فرآیند مشاوره و درمان و ارزیابی سلامت روان پیش از ازدواج نیست. در واقع به همان اندازه که جامعه بر خود ضرورت می‌داند که به جزئی‌ترین رسوم و رفتارهای غیر ضروری ازدواج پرداخته و بابت آن هزینه‌های کلان پرداخت شود که صرفاً هیچ برآیندی ندارد اما بابت هزینه ارزیابی سلامت روان، مشاوره پیش از ازدواج و درمان پیش از ازدواج این فرهنگ و آگاهی وجود ندارد که یک ضرورت الزام‌آور برای تداوم و ثبات زندگی زناشویی است. پس چگونه می‌توان انتظار پایداری خانواده را داشت؟ وقتی خانواده‌ها هنوز به این الزام و باور نرسیده‌اند که برای پایداری یک زندگی سلامت روان، رفتار و عملکرد بسیار مهم‌تر از تمام هزینه‌ها و رسوم و فاکتورهایی است که به‌طور سنتی نسل به نسل و گاهی آسیب رسان در شریان زندگی نفوذ و تداوم دارد، وظیفه فرهنگ‌سازی در این زمینه بر عهده کیست؟ در چنین شرایطی کار به جایی می‌رسد که در جامعه شاهد بروز پدیده‌هایی همچون ازدواج سفید و جشن طلاق هستیم که نتایج و تبعات فقدان آموزش برنامه‌ریزی برای ازدواج سالم هستند. بی‌شک این موارد هیچ سنخیتی با فرهنگ و عرف ما ندارد، در حالی که ازدواج آگاهانه منجر به چنین آسیب‌هایی نمی‌شود.

عاطفی است. تحول هورمونی که در زنان هنگام بارداری رخ می‌دهد منجر به بروز اثرات فیزیولوژیک و عاطفی در آنها خواهد شد. از طرفی مردان دارای میزان تعهدپذیری پایین در این ازدواج‌ها بیشتر به دنبال گذار مرحله‌ای بدون دانشن تعهد به برابر زن یا چارچوب خانواده هستند. با توجه به سطح آسیمی که زنان در این فرآیند متحمل می‌شوند و نبود ساختار قانونی بابت تعریف حمایت‌پذیری قانونی از این‌نوع ازدواج و تداوم پنهانی آن «حال به دلیل نبود قانون تدوین شده حمایت کننده یا عدم پذیرش خانواده‌های زوج در ازدواج سفید» می‌تواند بستر بسیار آسیب‌زایی را برای زنان رقم بزند. این شرایط بستری برای مردان با هدف تأمین نیازهای عاطفی و فیزیکی به دور از دارا بودن تعهد و مسئولیت را فراهم می‌کند. از طرفی یکی دیگر از عوامل است برای دقیق شدن و تمرکز بر وضعیت فعلی خانواده‌های طلاق نگرفته که هر آن ممکن است با این بحران مواجه شوند. این فاکتور می‌تواند به موارد متعددی از قبیل مسائل مرتبط با قوانین خانواده، سبک‌های مداخلات خانواده‌ها در زندگی زوجین، فاکتورهای مرتبط با سلامت روان و عملکرد زوجین، میزان تعهدپذیری زوجین و سطح انتظاف آنان در زندگی ساختارمند خانواده مربوط باشد.

ازدواج سفید و سرنوشت سیاه در انتظار زنان

ازدواج سفید به نوعی از رابطه گفته می‌شود که در آن زوج بدون ثبت قانونی رابطه خود در منزل مسکونی با هم زندگی می‌کنند. طبیاً رابطه با جنس مخالف، محور این رابطه خواهد بود که به دلیل مخالفت قانون سا این رابطه ممکن است عواقب سنگینی برای زن در بر داشته باشد. آسیب‌هایی که این ازدواج برای زنان به دنبال دارد؛ بارداری ناخواسته‌است که به دلیل عدم ثبت ازدواج و مخالفت قانون با تولد فرزند در این نوع رابطه‌ها منجر به سقط غیرقانونی جنین می‌شود. این مسئله نقطه‌ای بحرانی برای زنان از نظر سلامت جسمی و

ممكن است با این بحران مواجه شوند. این فاکتور می‌تواند به موارد متعددی از قبیل مسائل مرتبط با قوانین خانواده، سبک‌های مداخلات خانواده‌ها در زندگی زوجین، فاکتورهای مرتبط با سلامت روان و عملکرد زوجین، میزان تعهدپذیری زوجین و سطح انتظاف آنان در زندگی ساختارمند خانواده مربوط باشد.

ازدواج سفید به نوعی از رابطه گفته می‌شود که در آن زوج بدون ثبت قانونی رابطه خود در منزل مسکونی با هم زندگی می‌کنند. طبیاً رابطه با جنس مخالف، محور این رابطه خواهد بود که به دلیل مخالفت قانون سا این رابطه ممکن است عواقب سنگینی برای زن در بر داشته باشد. آسیب‌هایی که این ازدواج برای زنان به دنبال دارد؛ بارداری ناخواسته‌است که به دلیل عدم ثبت ازدواج و مخالفت قانون با تولد فرزند در این نوع رابطه‌ها منجر به سقط غیرقانونی جنین می‌شود. این مسئله نقطه‌ای بحرانی برای زنان از نظر سلامت جسمی و

ممكن است با این بحران مواجه شوند. این فاکتور می‌تواند به موارد متعددی از قبیل مسائل مرتبط با قوانین خانواده، سبک‌های مداخلات خانواده‌ها در زندگی زوجین، فاکتورهای مرتبط با سلامت روان و عملکرد زوجین، میزان تعهدپذیری زوجین و سطح انتظاف آنان در زندگی ساختارمند خانواده مربوط باشد.

به همان اندازه که جامعه بر خود ضرورت می‌داند که به جزئی‌ترین رسوم و رفتارهای غیر ضروری ازدواج پرداخته و بابت آن هزینه‌های کلان پرداخت شود اما بابت هزینه ارزیابی سلامت روان، مشاوره پیش از ازدواج و درمان پیش از ازدواج و این فرهنگ و آگاهی وجود ندارد

*روانشناس

